

و در شب معراج اذان گویند تا کمال ایمان و بیخودگی حاصل و یک  
کنند و صفت براق آنست که گوشها از زوایا سوزانند و در وقت  
چون روی آردی و مشابره آسپ بود و پیشانی از باقوست  
سرخ و چشمها چون زعفران بماند و طام آن از زوایا چون  
بال گشته و بر انواع الوان منقش غیر اول آن از کافور  
و بنفشه آنرا از مشک و دونه و صمغ و آن چون کافور و باد بای و بوق  
فرقنا بود و اذان سبب آنرا براق گفتند و زین آن اذان  
در بون و از نور جلال بران بپوشد و گویا با قوت سر  
بود و قوی آنست که آن براق بود که جبرئیل و پیغمبر از  
علیه السلام بران سوار شدند و کام در منتهی طرف نهاد  
و بر چه بوی آردی شنید زنده می شد و در آن زمان که گویا  
بود کام در منتهی طرف می توانست نهاد بلکه این زین بران  
زمان یافت که حضرت رسالت علیه الصلوة و السلام بران بال  
شمار و بر چه رسید که قطر علم آن بر آفتاب حال ختم شد که  
تقدم نظر بر قدم طغیان بود و مخالف قدم از نظر نصیب پس  
حال آنی متدل شد و اذان سبب حضرت رسالت تا علیه الصلوة  
و السلام بر براق سوار شد معراج بودند تا اذان او طلوع شود  
و بوق براق باز گوید تا قدرت حق نمود و گرد و صد غیر بود  
کنند که حضرت رسالت صلوات الله علیه در آن زمان

بناکای العاصیة قدس  
و نیکام مقلد

الطغیان از حد  
در گذشتن ستم

بر براق سوار بود و اذان هجده مرتبه را حجت با و براق نکرده  
از قوی زوایا عروج معلوم می شود و آیه سر ایل نیکم آنرا که  
واد خرد و بر دست شبیه آن بود و معراج بود با نیت  
که بران عروج کردند و قوی آنست که آن زوایا نیت که اوج  
بران عروج کنند و در زمانی که قبض اروج میکنند در نظر مومنان  
چنان نیایی نماید که اوج ایشان شباهت میکند با زلف حضرت  
غالب بر روی می چرخند و معنی آنها سبوتا زوایا بر آسپ  
و سدره المنتهی در حقیقت در آسمان هجده مرتبه بر آسپ  
که بیست و یک مرتبه و بی کس از آنجا تجاوز نکرد است و گویا  
و هجده مرتبه از آنجا عروج میکنند به آنجا می رسند  
و هر چه از مافوق او نازل میکند از آنجا منتشیر می شود و بیت  
المعور در آسمان هجده مرتبه است که در حدیث آمده که  
هجده مرتبه از آنجا عروج و زبانه و طواف میکنند و تا  
قائم هر که بگوید به ایشان بخوابد رسیده و در آنجا پیغمبر علیه  
الصلوة و السلام حضرت حق را بچشم دیده بانه خلاف کرده اند  
مشیران از تفسیر کاتب القواد ماری گفته اند که جبرئیل را  
چند بار او را ششصد خراج بود و این مسعود و رعایتش  
عنه قایل برین اند و قول اینی که گفت سوال کرده با رسول  
الله تو خدای بی چشم سوزیدی خود که جواب او که بود